

پیکره

مجسمه‌هایی در قواره جامعه شهری



سیدمحمد بهشتی
داور سمپوزیوم مجسمه‌سازی

■ امسال سومین سمپوزیم مجسمه‌سازی توسط سازمان زیباسازی شهرداری تهران برگزار شد. در این دوره، تعدادی هنرمند ایرانی، خارجی و دانشجوی شرکت داشتند. به نظر اتفاق بسیار خوبی بود و نتیجه خوبی هم دربرداشت. به‌جز محصولاتی که هنرمندان در این مدت ساختند، نفس کار که با شرایط واحد و در مدتی مشخص آثار خود را پدید می‌آورند و علاقه‌مندان از این فضا بازدید می‌کردند، ارزشمند بود.

یکی از نکات مثبت این سمپوزیوم، کار با سنگ بود. چون هنرمندان ما کمتر با سنگ کار می‌کنند و این کمبود حس می‌شد. البته مجسمه‌سازان زیادی داریم که با سنگ کار می‌کنند؛ ولی اینکه همه در شرایط برابر با یک متریسال کار کنند، فرصت خوبی بود. در کل برگزاری سمپوزیوم توسط زیباسازی نتیجه دیگری هم دارد و این فرصت را برای شهرداری تهران به عنوان شهرداری پایتخت فراهم می‌کند تا نقش ملی را که برعهده دارد ایفا کند. شهرداری تهران یکی از مشتریان دار هنرمندان نیست؛ بلکه مهم‌ترین متقاضی آن است و نوع رابطه‌ای که با جامعه هنری برقرار می‌کند، می‌تواند باعث ارتقای کار هنرمندان شود. به خصوص که این‌ آثار در حیطه هنر شهری دسته‌بندی می‌شوند. ما مجسمه‌هایی داریم که به درد موزه‌ها، گالری‌ها و فضاهای بسته می‌خورند و مجسمه‌هایی که برای فضای باز و شهری مناسب هستند. تا زمانی که هنرمندان، مراجعه‌کنندگان مثل شهرداری‌ها نداشته باشند، زمینه فعالیت در این حوزه برایشان فراهم نمی‌شود. نکته دیگر توجه به عرصه‌های عمومی است. بنا بر تغییراتی که در جامعه شهری در یک دهه اخیر به‌روشنی شاهدش هستیم، تقاضای فضاهای عمومی در جامعه شهری پررنگ می‌شود. به این معنا ست که



عرصه‌های عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. موضوع ارتقای کیفیت فضای شهری مهم است و به اعتقاد من از جمله کارهایی است که می‌تواند در جهت ارتقای کیفیت شهری ایفای نقش کند. شهرداری به تقاضایی که در جامعه شهری وجود دارد، پاسخ می‌دهد و از این به بعد، هم نقش این فعل و انفعال شهری ارزشمند و قابل تقدیر است و هم پاسخی که شهرداری می‌دهد.

همکاری دانشجویان در این سمپوزیوم در مقایسه با دوره قبل بسیار بیشتر بود. دانشجویان به طور مستقیم آثاری را در کنار هنرمندان ایجاد کردند و از سویی دیگر به عنوان دستیار در کنار هنرمندان فعالیت داشتند. اگر شهرداری این امکان را فراهم می‌کرد که در کنار این برنامه‌ورر ک شاپی هم برای دیگر دانشجویان این رشته برپا شود، بسیار عالی بود. البته همچنان ازبازی من این است که این حرکت رو به‌جلو بوده است. در هر حال به نظر کارها خیلی خوب و از انتظار من فراتر بود؛ مخصوصا در بخش دانشجویی کیفیت کارها خیلی بود. من در جریان اتفاقات بعد از سمپوزیوم نیستم؛ ولی خیلی خوب خواهد بود اگر هنرمندان در انتخاب محل نصب مجسمه هم همکاری داشته باشند. فراموش نکنیم که ما هنرمندان برجسته‌ای در حوزه مجسمه‌سازی داریم که تجربه و تمرین وسیعی در حوزه مجسمه شهری ندارند. مجسمه شهری باید در فضاهای عمومی شهری دیده شود، نه جایی که مناظر عمومی شهر هستند، مثل کنار بزرگراه‌ا. اینجاست که جایش معلوم می‌شود. عرصه‌های عمومی یعنی جاهایی که مردم به شکل پیاده حضور پررنگ‌تری دارند مهم هستند. در بقیه کشورهای دنیا هم بهترین مجسمه‌های شهری در عرصه‌های عمومی نصب می‌شوند. اینکه چه طور شهروندی که مجسمه را می‌بیند با آن ارتباط برقرار کند تمرینی می‌خواهد که مجسمه‌سازان ایرانی خیلی در آن تبحر ندارند. البته تقصیر آنها هم نیست، چون روند مجسمه‌های شهری در کشور ما خیلی دچار پلازیت شده و نوسانات زیادی را طی کرده و نگذاشته تا تداوم تجربه ادامه داشته باشد.

مدیریت شهری با توجه به مقتضیات شهری تصمیماتی می‌گیرد که شاید وقتی ما با فراغ بال به آنها نگاه کنیم تصمیمات سنجیده‌ای به نظر نیایند. ولی اگر خودمان هم در آن موقعیت بودیم مجبور به این تصمیم می‌شدیم. با اینکه در دهه اخیر تلاش زیادی برای ایجاد مجسمه‌های شهری صورت گرفته، هنوز صاحب‌تجربه قابل اتکایی در زمینه مجسمه‌های شهری نشده‌ایم، نه در حوزه مدیریت شهری، نه در جامعه تخصصی شهرسازی و نه در جامعه هنری مجسمه سازی. باید از همه این فرصت‌ها استفاده کنیم و تمرین کنیم تا در قواره جامعه شهری و شهر خودمان و بنیه هنری مان بتوانیم بهترین نتیجه را بگیریم.

✚ چطور مجسمه‌سازی را شروع کردید؟

من کارم را با طراحی شروع کردم، ولی بعد از مدتی دیگر طراحی راضی‌ام نمی‌کرد چون انرژی ذهنی من تمام می‌شد ولی انرژی جسمی زیادی داشتم. طراحی‌ام خیلی پیشرفت کرده بود و بعد از آن احساس کردم که می‌توانم مجسمه‌سازی را شروع کنم. در خانواده ما هیچ‌کس هنرمند نبود و اینکه من نقاش باشم، کار قابل باوری بود، ولی مجسمه‌ساز شدن مثل رویا بود، هر چند سرنوشت من را وارد این راه کرد.

✚ با چه متربالی کار می‌کردید؟

کارم را با فلز شروع کردم. تقریباً مدت زیادی هم با چوب کار کردم. همان سال‌ها یک دوره سنگ و برش سنگ دیدم و فهمیدم که این متربال من است. سنگ همان چیزی هست که من می‌خواهم روی آن کار کنم.

✚ چطور شد در سمپوزیوم تهران شرکت کردید؟

هیچ وقت در مورد سفر به ایران فکر نکرده بودم و حدود سه سال بود که در هیچ سمپوزیومی شرکت نمی‌کردم، ولی وقتی به ایران دعوت شدم، به نظر ایده خوبی آمد. من برای شرکت در سمپوزیوم به کشورهای زیادی سفر کردم ولی دیگر خسته شده بودم، چون اتفاقات مشابهی می‌افتاد. با این حال به نظر ایران فرق می‌کرد. شاید این تفاوت از ذهن من ناشی می‌شد، تفکری که من راجع به ایران داشتم...

✚ به نظر تان تفاوت ایران در چه چیزی بود؟

از نظر سمپوزیوم با دیگر کشورها فرق دارد ولی چیزی که برای من خیلی جالب است، مردم تهران هستند. من واقعا دوست دارم در مورد مردم ایران و تهران بیشتر بدانم. همیشه گروهی از هنرمندان به سمپوزیوم‌ها سر می‌زنند، ولی برایم جالب بود که مردم می‌آمدند و کارها را می‌دیدند. دوست دارم مردم تهران را بیشتر بشناسم.

✚ چه تفاوتی بین سمپوزیوم تهران با سمپوزیوم‌های دیگری در فقیه‌د وجود داشت؟

صحبت کردن در مورد این تفاوت، سخت است. چون همه سمپوزیوم‌ها به فرق می‌کنند. من در بیش از ۴۰ سمپوزیوم شرکت کرده‌ام که هر کدام با دیگری فرق می‌کرد. چیزی که در مورد ایران خیلی فرق می‌کند، در مورد مردم ایران است. مردم آن، خیلی مهربان هستند.

✚ وقتی به سمپوزیوم تهران دعوت شدید، در مورد ایران و مردم ایران مطالعه کردید و بعد مجسمه‌تان را طراحی کردید؟

نه، من در سال‌های اخیر روی یک مجموعه مجسمه کار می‌کنم که یکی از آنها را ازایه کردم. من روی چیزهای کار می‌کنم که به آنها علاقه دارم. مجسمه‌هایم طراحی‌های مشابهی دارند ولی یک مجسمه نیستند.

✚ در مورد هنر ایران و هنرمندان ایرانی چقدر می‌دانید؟

واقعا، خیلی کم. قبل از اینکه به ایران سفر کنم نظرم در مورد ایران خیلی منفی بود و فکر می‌کردم سفر خسته‌کننده‌ای خواهم داشت. ولی واقعا وقتی مردم ایران را دیدم، سورپرایز شدم. مردمی خیلی مهربان و خوشحال هستند. البته فکر می‌کنم مردم از موقعیت‌شان خیلی خوشحال نیستند ولی در درون خودشان خوشحال هستند.

✚ در مورد هنرمندان ایرانی که در جهان شناخته شده هستند، اطلاعاتی دارید؟ آثار هنری ایرانی‌ها را دیده‌اید؟

نه، متأسفانه هیچ می‌دانم که در ایران محدودیت‌هایی وجود دارد. البته فکر می‌کنم هنرمندان با محدودیت بهتر کار می‌کنند و کارهای خاصی می‌کنند که ممکن بود هرگز آن را انجام ندهند.

یان نیوبری، مجسمه‌ساز سوئدی شرکت‌کننده در سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران:

دانشجویان ایرانی غافلگیرم کردند

نگین نصیری



هوای زمستانی پاییز امسال مجسمه‌سازان را هم غافلگیر کرد. سومین سمپوزیوم تهران که قرار بود در هوای پاییزی برگزار شود در سردترین روزهای پاییز پذیرای هنرمندان شد. اگر در فاصله زمانی ۲۰۰ آبان تا ۱۰ آذر سری به محوطه برج میلاد زده باشید، می‌دیدید که هنرمندان ایرانی و خارجی و دانشجویها باخوشی دور هم بودند که این دقیقا همان معنای سمپوزیوم در یونان باستان است. متربال سمپوزیوم تهران سنگ بود و ۱۸ شرکت‌کننده در بخش اصلی داشت. در این دوره از سمپوزیوم در کنار بخش اصلی ۱۰ شرکت‌کننده هم در بخش دانشجویی مشغول به کار بودند و مجسمه‌هایی را با ابعاد کوچک‌تری ساختند. نتیجه این ۲۰۰ راز، ۱۸ مجسمه سنگی است که اگر مجسمه‌های وارداتی چینی مهلت بدهند به زودی آنها را در شهر خواهیم دید. امسال چهار هنرمند خارجی از سوئد، ژاپن، گرجستان و سوریه هم برای تهران مجسمه‌هایی ساختند. یان نیوبری سوئدی یکی از باتجربه‌ترین مجسمه‌سازانی بود که در بیش از ۴۰ سمپوزیوم در دنیا شرکت کرده بود. او متولد ۱۹۶۰ است و ۲۰ سال است که به طور حرفه‌ای مجسمه‌سازی می‌کند. در آخرین روزهای برگزاری سمپوزیوم در لابی هتل لاله، محل اقامت میهمان‌های خارجی به دیدنش رفتیم. مثل همه خارجی‌ها از ترافیک تهران شوکه شده بود و می‌گفت: «چیزی شبیه به خودکشی می‌ماند.» یان که متولد سوئد است و در فنلاند درس خوانده، از مجسمه‌سازی سوئد هم رضایت چندانی نداشت. خودش در مورد مردم سوئد می‌گفت: «مردم سوئد بسیار سرد هستند و این به دلیل هوای سرد کشور ماست؛ شش‌ماه سال را به داخل خانه می‌رویم و درها را می‌بندیم، ولی مردم تهران قلب‌های گرمی دارند.»

✚ در مورد مجسمه خودتان توضیح بدهید، مجسمه‌ای که در سمپوزیوم برای شهر تهران ساختید.

در چند سال اخیر، روی یک مجموعه مجسمه کار می‌کنم که با کارهای قبلی‌ام خیلی فرق دارد. وقتی جوان‌تر بودم، برایم مهم بود که کارهایم زیبا باشد، ولی حالا دیگر برایم مهم نیست. کارهایم بر مبنای دریافتن از زندگی است. این آثارها را از زمانی که پسرم به دنیا آمد شروع کردم. او الان پنج سالش است. فکر کردن به اینکه موجودیت ما انسان‌ها چطور ممکن است؟ خیلی عجیب است. ایده من از اینجاست که از زندگی چطور شروع می‌شود؟

✚ به این فکر کرده‌اید که مجسمه‌ای که در سمپوزیوم ساخته‌اید برای کجای تهران نصب شود؟

خیلی‌ها این سوال را از من می‌کنند. در سخنرانی‌ای که در سمپوزیوم داشتم هم از من این سوال را پرسیدند. من دوست دارم مجسمه‌ام در یک محیط سربسب نصب شود. البته در تهران خیلی محیط سبز وجود ندارد.

✚ ولی در خیلی از نقاط تهران فضای سبز داریم...

بله، ولی اینکهر همه جا ترافیک هست که احساس نمی‌شود. تهران خیلی بزرگ است و حتی در اطراف پارک‌ها هم ترافیک می‌بینیم. روز اولی که من در شهر بودم، واقعا سخت بود؛ حالا کمی برایم عادی‌تر شده است. ولی هر روز در چنین ترافیکی بودن، مثل خودکشی می‌ماند.

گفت وگو با رضا مختاری به بهانه نمایشگاه ایران شناسی در «خانه هنرمندان»

رازهای سرزمین من

✚ مجتبی قشده: نمایشگاه بزرگ عکس ایران‌شناسی سرزمین من، نمایشگاهی به مساحت ۱۶۴۷۱۹ کیلومتر مربع بود. پس از سه سال انتشار ماهنامه ایران‌شناسی «سرزمین من» منتخبی از عکس‌های این نشریه به خانه هنرمندان ایران به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه شامل ۸۰۰ عکس از حدود ۵۰ عکاس بود که از میان پنج‌هزار و ۲۰۰ قطعه عکسی که این ماهنامه از ۳۰۰ عکاس ایرانی و خارجی در ۲۶ شماره خود منتشر کرده، انتخاب شده بودند. ویژگی متفاوت نمایشگاه، گستره متنوع عکس‌های به نمایش در آمده در آن بود؛ عکس‌هایی که با موضوعات متنوعی چون فرهنگ و مردم‌شناسی، بناها و آثار تاریخی، چشم‌انداز و مناظر طبیعی، حیات‌وحش و نجوم طبقه‌بندی و عرضه شده بودند. به بهانه این نمایشگاه با رضا مختاری که دبیر و کارشناس هنری صفحات ایران‌شناسی و صفحه‌های تجسمی همشهری جوان نیز بوده است، به گفت‌وگو نشستیم.

ایده انتشار این ماهنامه چطور شکل گرفت؟

ایده «سرزمین من» از «رازهای سرزمین من» آمد؛ تجربه‌ای دوفضه‌ای در مجله همشهری جوان که موضوعش ایران‌شناسی بود. این صفحه‌ها چند ویژگی اساسی داشت؛ یکی اینکه در آن رآوی اصلی عکس بود و اساسا برای پرداختن به یک موضوع باید به قابلیت‌های بصری آن فکر می‌شد. از طرف دیگر، مطالب پژوهش‌محور بود و به جای لفاظی یا مثلا به‌به و چه‌چه درباره ایران، قرار بر دادن اطلاعات و شگفت‌زده کردن مخاطب با این اطلاعات بود. بارها حرف توسعه این دو صفحه به یک مجله مستقل پیش آمده بود و با تأسیس گروه مجلات همشهری این ایده بستر عملی شدن پیدا کرد.

✚ آیا برای ایران‌شناسی در میانه‌ای آن تاکنون تعریفی هم ارائه شده، یا هر قدر و گروهی بر اساس توان علمی و بضاعت فرهنگی‌اش تعریف خاص خود را از آن دارد؟

«شناسی»‌ها عموما به مطالعات غربی بازمی‌گردند. اما اگر نخواهیم نیست به خشخاش بگذاریم، تعریف ایران شناسی کار پیچیدنی‌ای هست. معمولا به دایره‌ای از مطالعات که حول فرهنگ و تمدن ایرانی شکل گرفته ایران‌شناسی گفته می‌شود. تاریخچه ماجرا در ایران هم چندان طولانی نیست. معمولا از برگزاری «هزاره فردوسی» در سال ۱۳۱۳ به عنوان گام اساسی در مطالعات ایران‌شناسی در ایران معاصر یاد می‌شود. یعنی نزدیک به ۷۷ سال از نخستین گام اساسی ساختاریافته ایرانی‌ها برای ایران شناسی بیشتر نگذشته است.

✚ شماچه تعریفی دارید؟

تجسمی

پیشخوان قهوه‌ای

بازار عکاسی جهان در دست کیست؟



■ این روزها بازار عکاسی جهان روی نام و امضای این چهارعکاس می‌گردد؛ آندریاس گرسکی‌آلمانی، ریچارد پرنس و سیندی شرمن آمریکایی و هیروشی سوگیموتوی ژاپنی. فروش عکس‌های امضاشده این چهار هنرمند توانسته درآمدی بالاتر از یک‌میلیون‌دلار را نصیب‌شان کند. آنها به همراه هم توانسته‌اند هفت اثر خود را ۲۷ بار امضا کنند و به فروش برسانند.

اما این همه داستان نیست. در بین ۵۰۰ اثر از بهترین آثار راه یافته به حراج‌های مربوط به عکاسی معاصر ۳۹ اثر متعلق به این هنرمندان است. درست است که رکورد پر فروش‌ترین عکس‌های جهان در دست این چهار ستاره عکاسی است، اما ویک مونیز، مایک کلی، توماس استراس، لس پجر، پیر و گیلن، گیلبرت و جورج، آندرس سراتو، دیوید لاپچیل و اخیرا وید گویتون، رشید رعنا، فلوریان مایر-آیچسن و متیو دی جکسون نیز رکورددار گران‌ترین و مرغوب‌ترین عکس‌های مارکت عکس جهان به‌شمار می‌روند.

آثار این هنرمندان در مارکت جهانی عکس دارای طرفداران و متقاضیان بسیار زیادی بوده و موسسات برگزارکننده حراج، به عنوان تضمین موفقیت فروش عکس‌های شرکت داده شده در حراج‌هایشان، به آنها اتکا می‌کنند.

در ماه‌های اخیر، حجم بالای رکوردهای تازه ثبت شده برای عکس‌های تاریخی و مدرن، یکبار دیگر دلیلی برای اثبات رشد گرایش و تمایل به بازار عکس است. در سال‌های اخیر، شاهد رشد تصاعدی فروش تخصصی آثار، برای نمایشگاه‌ها، پروژه‌های فرهنگی عمده و سرمایه‌گذاری بالا برای بخش عکاسی و نمایشگاه‌های هنری که به این رسانه اختصاص داده شده‌اند، هستیم. امسال، عمده وجه سرمایه‌گذاری شده در مسکو به رسانه‌ای به نام



«سوربانی» اختصاص داشت که تمامی تمرکزش را روی عکاسی گذاشته است.

با این حساب می‌توان مطمئن بود که آینده‌ای موفق و درخشان در انتظار بازار عکاسی خواهد بود. هر چند که حضور این هنر در مارکت جهانی هنوز در ابتدای راه تاریخی خود است و درحال حاضر، فقط ۱/۵۱ درصد از جمع فروش کل حراج‌های برگزار شده را به خودش اختصاص داده است (این آمار با درنظر گرفتن مجموع فروش حراج‌های برگزار شده تمام آثار هنری است).

علاوه بر این، حرفه عکاسی با روحیه و طرز فکر امروزی همسو شده و به عنوان رسانه‌ای ایده آل و دلخواه برای مجموعه‌داران مشتاق شمرده می‌شود. مخصوصا چون به دلیل اشغال فضای کم، نگهداری عکس بسیار راحت است.

با این‌همه اگر هنوز بازارهای فروش عکس در اروپا و آمریکا، جوان و تازه کار و نوپا هستند، اینچنین بازارهایی در آسیا هنوز در قدم اول بوده و مانند جوجهای از تخم بیرون آمده، تنها در حال یادگیری چگونگی پرواز هستند. می‌توان بدون شک این حقیقت را پذیرفت که ظهور نمایشگاه‌های تخصصی عکس (سنسگاپور، گالری عکس توکیو، گالری عکس پکن و...) که به صورت جالب توجه و ویژه‌ای با به عرصه جامعه هنری نهاده‌اند، باعث گسترش و پرورش ذوق و سلیقه و نحوه نگرش نسل جدید مجموعه‌داران هنری در زمینه برگزاری افتتاحیه‌های نمایشگاه‌های هنر معاصر شده‌اند، نمایشگاه‌هایی که بازار عکس را مدنظر گرفته و قسمتی از نمایشگاه‌ها را به این هنر اختصاص می‌دهند. از جمله این نمایشگاه‌ها می‌توان به اساج (نمایشگاه هنرهای معاصر شانگهای چین) اشاره کرد که در سال ۲۰۱۱ افتتاح شد و قسمت جدیدی را به صورت کامل به هنر عکاسی اختصاص داده است.

برخلاف عکاسی، فروش سایر رسانه‌های هنری جدید، هنوز توسط حوزه‌های تخصصی هنر در موسسات حراج پیگیری نشده و به بازارهای فروش تخصصی راه پیدا نکرده‌اند. اگرچه در حالت عادی، ویدئوها و چیدمان‌های غیرجدی در حراج‌ها به فروش می‌رسند، کاتالوگ‌های هنر معاصر، شامل تصاد کمی از رسانه‌های هنری جدید است و بازارهایی که در رده دوم قرار دارند، هنوز موفق به تجمع تمام گونه‌های آثار تکنیکی نبودند. همچنین در ارتباط با رسانه‌های هنری تازه شکوفا شده، (به‌طور مثال رویدادهای هنری گردآوری شده از صاحبان آثار توسط متخصصان مجرب که در سراسر دنیا در فستیوال‌ها به نمایش درمی‌آیند) به صراحت می‌توان گفت که به‌ندرت نقدی بر این آثار نوشته شده و بالاتر از همه اینها این آثار هنوز نتوانسته‌اند مدل و روش اقتصادی درستی برای خود بیابند.

✚ موسس «آرت پرایس» مهم‌ترین مرجع مارکت هنر در جهان

از این کار لذت می‌برم، چون احساس می‌کنید روی صحنه هستید و با مخاطب ارتباط می‌گیرید، می‌توانید عکس‌العمل‌ها را ببینید ولی از نظری هم کمی سرسری می‌آیند، چون می‌توانید فقط یک پیام را با آن برسانید در صورتی که با جنبه فیزیکی کارهای هنری می‌شود پیام‌های عمیقی را منتقل کرد. وقتی ۱۴ سالم بود، در یک آکادمی در فنلاند درس می‌خواندم که در آنجا دو دیپارتمان وجود داشت، ویدئو و مجسمه‌سازی.

من فنلاند را انتخاب کردم، چون هنوز سیستم آموزشی قدیمی و کلاسیک داشت. صبح‌ها از مدل طراحی می‌کردیم و بعدازظهرها مدل گلی آن را می‌ساختیم. این برایم بسیار جالب بود. ولی در سوئد، چیز زیادی یاد نمی‌دهند. دانشجویان هیچ کاری نمی‌توانند انجام دهند. بعد از اینکه فارغ التحصیل می‌شوند باید یک نفر را استخدام کنند تا برایشان کار کند. چیز زیادی هم در مورد متربال‌های مختلف یاد نمی‌گیرند فقط می‌توانند مجسمه را طراحی کنند. اصلا نمی‌توانند با سنگ کار کنند و این خیلی بد است. دانشجویان اصلا به کارشان علاقه‌مند نیستند. به نظرم باید دیپارتمان مجسمه‌سازی در سوئد تعطیل شود!

✚ دانشجویان ایرانی در سمپوزیوم چطور بودند؟

واقعا عالی بودند، آنها خیلی علاقه‌مند هستند که چیزهای جدید یاد بگیرند و خیلی خوب می‌توانند با سنگ کار کنند. صافانه می‌گویم، بهترین کارها در سمپوزیوم، کارهای دانشجویی بودند. دانشجویان ایرانی غافلگیرم کردند.

✚ امکاناتی که در سمپوزیوم داشتید، خوب بود؟

عالی بود. برنامه‌ریزی هم خوب بود. هر وقت چیزی احتیاج داشتم در اختیارم بود.

✚ اگر به سمپوزیومی در کشوری دیگر دعوت می‌شدید، باز هم همین طرح را ازایه می‌کردید؟

فکر می‌کنم که باز هم طرح مشابهی را پیشنهاد می‌کردم و کاری را که به آن علاقه‌مند هستم. ارایه می‌دانم. من هر روز طراحی می‌کنم و مجسمه می‌سازم. ولی دلم می‌خواهد کاری را اجرا کنم که دوست دارم. ممکن است که ماکت مشابهی را در کشور دیگری ارائه کنم ولی معنای آن فرق خواهد کرد و به دلیل محیط آن و آدمهای متفاوتی که آن را می‌بینند، نتیجه آن نیزمتفاوت خواهد شد.

✚ در دوره کلاسیک بسیاری از مجسمه‌ها با سنگ ساخته می‌شدند. نظرتان در مورد مجسمه‌های دوران کلاسیک چیست؟

من در سمپوزیوم یک سخنرانی داشتم و در آن تصاویر بسیاری از مجسمه‌های مصر باستان را نشان دادم و به نظرم این آثار عالی هستند. ما الان خیلی نمایشگاه و گالری داریم ولی مجسمه‌ها روی آدم تأثیری نمی‌گذارند. در حالی که این مجسمه‌های قدیمی واقعا من را تحت تأثیر قرار می‌دهند. من می‌فهمم که چه چیزی می‌خواهند بگویند.

✚ اگر ممکن است در انتها کمی در مورد وضعیت هنر در سوئد توضیح دهید.

ما سبک‌های مختلفی داریم. قبلا گالری‌های زیادی در سوئد داشتیم، ولی الان تعدادشان خیلی کم شده است. واقعا نمی‌دانم که مشکل چیست؟ در سوئد دو نوع گالری داریم که بعضی از آنها ۶۰ درصد حق فروش می‌گیرند. ما سیستم آزادی داریم، ولی یک نوع مشکل با بهتر بگویم محدودیت اقتصادی داریم. مشکل این است که چطور به عنوان یک هنرمند زندگی کنیم، مشکلی که در بسیاری از کشورها وجود دارد...



بنابراین اجزای کار بر اساس آن ساختار کنار هم قرار می‌گیرند. شما به جای تکنوازی یک هماهویی دارید که تک‌تک نوازندگان انتخاب می‌شوند تا صدایی که باید به طور واحد درآید. اینجاست که تجربه (دیتوربال) معنی پیدا می‌کند. یک وقت شما دفتر تلفن‌تان را برمی‌دارید و مثلا به تمام کسانی که در حوزه تاریخ ایران کار کرده‌اند، زنگ می‌زنید و می‌گویید تا فلان تاریخ به شما مطلب بدهند. خوب بعد از مدتی با یک توانایی متوسط در برقراری ارتباط می‌توانید با حداقل ۵۰ درصد موفقیت کار را جمع کنید. اما یک وقتی قرار است به یک ایده برسید و برای اجرای آن یک ترکیب بسازید. مثلا پرونده‌ای داشتیم با عنوان بررسی تاریخی طبیعی پرندگان منطق‌الطیر عطار. اینجا شما نیاز به یک تیم دارید، تیمی که تسلط جغرافیایی را در حدی باشد که وقتی رفتار پرنده را از روی رعب برایش توضیح می‌دهید پی به نام امروزی پرنده برد تا بتوانید عکسش را پیدا کنید. یا تیمی که از آن طرف بتواند این پرندگان را از نظر نمادشناسی تحلیل کند. اینجا عکس هم به عنوان یک عنصر زیباشناختی و هم عنصر استنادی مدام در حرکت است. جاهایی هم باید از نگر نگاری ایران آنجا که منطق‌الطیر طراحی شده، مد بگیرند تا بفهمند هنرمند آن روزگار چطور پرندگان را تصویر کرده. و سه محقق و نویسنده در زمینه‌های مختلف تاریخ، طبیعی و ادبی، کار نگارش آن را با همکاری هم پیش بردند. سیاقی‌تریب داده شد که آدم‌ها هر کدام علاوه بر نقش فردی‌شان با این ضیافت نقش تازه‌ای به خود گرفتند.

✚ عکاس‌های که آثارشان را منتشر کرده‌اید، آیا بر اساس یک فراخوان یا سفارش با شما همکاری داشتند یا شما از میان کارهای انجام‌شده آثار انتخاب کرده‌اید؟

در مرحله پیش‌تولید مجله بسیاری از عکاسانی که در حوزه‌های مختلف کار می‌کردند، دعوت شدند. بخشی از شناسایی افراد هم شماره به شماره پیش‌رفته و تا امروز ادامه دارد. در این بازه زمانی بیش از پنج هزار عکس از چندصد عکاس ایرانی و خارجی در سرزمین من منتشر شد که بسیاری از آنان بر اساس سفارش مجله گرفته شدند و بخشی هم از آرشيو افراد انتخاب شد.

✚ این عکاسان بر اساس چه معیارهایی انتخاب شده‌اند، چون به نظر نمی‌آید همگی در حوزه واحدی از عکاسی فعالیت داشته باشند؟

کار سرزمین من نگارش آن دستور زبان بود.